

دانشگاه شهید بهشتی

دانشگاه شهید بهشتی
دانشکده معماری و شهرسازی

باز اندیشی انگاره فضا در معماری "روایت فضا"

پایان نامه برای دریافت درجه دکترا

کتابخانه اسناد و آرکایوهای دیجیتال
موسسه تخصصی زبان

نگارش:

علیرضا مستغنی

۱۳۸۶ / ۱۲ / ۲۵

استاد راهنما:

دکتر محمود رازجویان

استاد مشاور:

دکتر هادی ندیمی

کتابخانه اسناد و آرکایوهای دیجیتال
موسسه تخصصی زبان

پائیز ۱۳۸۴

۹۳۶۶۵



دانشگاه شهید بهشتی
دانشکده معماری و شهرسازی

باز اندیشی انگاره فضا در معماری "روایت فضا"

پایان نامه برای دریافت درجه دکترا

نگارش:
علیرضا مستغنی

- استاد راهنما: دکتر محمود رازجویان
- استاد مشاور: دکتر هادی ندیمی
- داور خارجی: دکتر عیسی حجت
- داور خارجی: دکتر سیمون آیوازیان
- داور داخلی: دکتر حمید ندیمی
- داور داخلی: دکتر شهرام پوردیهیمی
- نماینده تحصیلات تکمیلی:

● چکیده مطالب

انگارهٔ فضا در معماری عمری بسیار کوتاهتر از تاریخ بلند معماری داشته و تصور فضای معماری، آنگونه که امروز آن را می‌شناسیم، در تفکر متأخر و معاصر غرب (در دوران مدرن) نمود یافته است. مقایسه بین آثار ساخته شده، در قبل و بعد از طرح انگارهٔ فضای معماری، ما را در پذیرش ضرورت طرح آن دچار تردید خواهد ساخت؛ اما با توجه به حضور و گسترش بی‌بدیل انگارهٔ فضا در مباحثات نظری و در تبدلات آموزش معماری، نگاهی دوباره بر این مفهوم، فارغ از اقتضات و القاتات تاریخی آن و به دور از کاستی‌های ناشی از این زمینه تاریخی، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر به نظر می‌رسد. بازاندیشی فضای معماری، با توجه به گستردگی بار مفهومی واژهٔ فضا در دوران متأخر، و با توجه به تأثیر پاره‌ای پیش‌شرطهای فلسفی - زیباشناسانه در شکل‌گیری این انگاره؛ در کنار وجوه معمارانه قابل‌اطلاق بر آن، مستلزم بازخوانی روایت فضا در بستر تفکری معمارانه خواهد بود.

کلیدی‌ترین واژه‌ها

فضا، فضای معماری، فضای خود، جدایی / ارتباط، مشارکت، فضای فردی، فضای جمعی، بینابینی، بین‌الذهانی، میدان ادراک، می‌دان ادراک، روایت، شک، من، دیگران، من - ما.

■ مقدمه

■ فصل اول : انگاره فضا در معماری

- طرح انگاره فضا در معماری
- دلایل و انگیزه های انگاره سازی و توصیف فضا در معماری
- وجوه متفاوت انگاره فضا در معماری
- انگاره فضا پس از مدرنیسم
- سیر تاریخی انگاره فضا در معماری
- نتایج حاصل از انگاره فضا در معماری
- جمع بندی و نتیجه گیری

■ فصل دوم : فضا چیست ؟

- انگاره های موجود از فضا به مثابه تصویری کلی^۱
- خصوصیات فضا به مثابه تصویری کلی^۲
- انگاره های موجود از فضا در مواجهه با انسان
- جمع بندی و مرور نتایج

■ فصل سوم : تقویم فضا در حیطة من^۳

- بازگشت به من محض^۴ (من استعلایی)
- خاستگاههای بنیادین دریافت فضا^۵
- توصیف فضا در حیطة من روان - تنی
- جمع بندی و نتیجه گیری

■ فصل چهارم : تقویم فضا در حیطة ما^۶ (من - ما)

- من و دیگری
- توصیف فضا در حیطة من - ما^۷
- جمع بندی و نتیجه گیری

■ فصل پنجم : فضای معماری (جمع بندی و نتیجه گیری)

- تحلیل و تطبیق^۸ داده ها^۹ و یافته ها^{۱۰}

■ نمایه گزاره ها

■ ضمائم

■ فهرست منابع و مآخذ

■ کتابشناسی

■ مقدمه

۱- انگاره Concept، نامی تشریحی برای یک گروه از واقعیات مشاهده شده است.

انگاره^۱ فضای معماری سالینانی چند و تا امروز در محاورات و مکتوبات عرصه معماری حضوری بی بدیل و غیر قابل انکار داشته است. اما این انگاره، در نگاهی دقیق، نامفهوم و تبیین ناشده به نظر می رسد و تصور حاصل از آن، تصویری متمایز روشن نیست. فهم ضروری و بدیهی ما از این تصور با فهم اکتسابی ما از آن مطابقت تام نمی یابد. تصور ما از فضای معماری^۲ از یکسو مبتنی بر انگاره قدر^۳، و القائات دریافت شده از طریق آموزش بوده، و از سوی دیگر متأثر از عرصه جولان ادراک حسی^۴ ما است. مقایسه این دو نشان می دهد که رابطه میان آنها هم سو نیست. هر آنچه در یکی مسلم و بدیهی به نظر می رسد، در دیگری نفی می گردد.

۲- قدر: تصور فضائی مبتنی بر هندسه

اینکه معماری همواره با چیزی^۵، که بعدها آن را _سنجیده یا نسنجیده_ فضا^۶ نامیده ایم، سر و کار داشته است غیر قابل انکار می باشد. اما همانگونه که در طول فصل نخست از رساله حاضر خواهیم دید: فضای معماری^۷ انگاره ای متأخر و حمل^۸ شده بر معماری است. این انگاره نه تنها با فاصله اندک از زمانه ما، و بنا بر شرایط فرهنگی _تاریخی_ اجتماعی خاصی بروز نموده است، بلکه همچنین پیش فرض های^۹ منظور شده برای آن تا حدود زیادی از اصطلاحات و مباحثات مطرح در عرصه معماری دور بوده اند.

بهره گیری از واژه فضا، برای طرح انگاره فضای معماری^{۱۰}، در ایجاد تصویری تاریک و مبهم از آن مؤثر بوده است. در فصل دوم رساله، با توجه به نقش و تأثیر اجتناب ناپذیر مفهوم فضا^{۱۱}، در پردازش انگاره فضای معماری^{۱۲}، به شرح و توصیف برداشت های مختلف موجود از واژه فضا پرداخته ایم.

در خلال فصل دوم خواهیم دید که واژه فضا، در مقام یک انگاره^{۱۳}، وصف کننده موصوفی هزار چهره بوده است؛ و مرور تعاریف و تعبیر موجود از فضا^{۱۴}، در نهایت ما را با امری چند وجهی و شناخت ناپذیر مواجه خواهد ساخت. بدیهی است که همه این وجوه متعارض یا

متباین، در جهت هدایت ما به سوی تصور کلی ذاتی^۳ از فضا (فضای معماری) نخواهند بود. با این حال، شرح و بیان این تعابیر، بیش از هر چیز، به منظور آشنایی با تعارضات بنیادی موجود در فهم فضا و توجه به تافهومی^۴ فضا، و نه فهم آن، صورت پذیرفته است. امری که بازاندیشی مورد نظر در این رساله، و روش اعمال شده در آن را، به عنوان ضرورتی حتمی و اجتناب ناپذیر می نمایاند.

ممکن است با توجه به مشکلات برشمرده، و با توجه به تأثر انگارهٔ فضای معماری^۵ از شرایط فرهنگی-تاریخی خاص، عمر استفاده از این انگاره را اتمام یافته بدانیم. همچنین ممکن است با اشاره به این که بشر طی هزاران سال، بدون هر گونه گفت و شنود درباره آنچه بعدها فضای معماری^۶ نامیده شده است، دست به کار خلق آثار معماری بوده و در این امر توفیقی حتی بیش از امروز داشته است؛ پرداختن به انگارهٔ فضای معماری^۷ را بی ثمر بشماریم. چراکه می دانیم روش دسته بندی و نامگذاری چیزها هم می تواند به شناخت آن چیزها کمک کند و هم می تواند محل این شناخت باشد. خصوصاً در صورت وجود ابهاماتی در مسئله اصلی امکان بروز چنین اخلاقی وجود خواهد داشت. اما در عین حال اذعان خواهیم داشت که: طرح واژه فضا، در مباحثات معمارانه، تولد و بالندگی مفهوم و تصویری را باعث گردیده است که انکار نقش اساسی و بی بدیل آن، در تصور امروزی ما از معماری، ممکن نخواهد بود.

عموماً معماری را هنر محصورسازی فضا^۸ نامیده اند^۹ و ارجح و اعتبار انگاره فضا در معماری - پس از طرح نظری آن - به گونه ای بوده است که برلاگ^۴ مقصود و هدف معماری را خلق فضا دانسته است^۵. هنری لفیور^۶ اذعان می دارد: آرایه هر تعریفی از معماری، پیش تر، نیازمند آرایه تحلیل و توضیحی درباره انگاره فضا است.^۷

ون دو ون^۸ اشاره می نماید که پس از سال های ۱۹۲۰ [م] تولید معانی مختلفی از فضا^۹ رشدی بی حد و حصر داشته است و هر معمار یا نویسنده ای معانی خاص خود را در این خصوص ابداع نموده است.^۹ آرایه تفاسیر و برداشت های عدیده از مفهوم فضا^{۱۰}، و توسل به این واژه

۳- آرناسن، ۱۳۷۴، ص ۱۳

۴- H.P. Berlage

۵- Berlage, 1905, P. 217

۶- Henri Lefebvre

۷- Forthy, 2000, P.256

۸- Van de ven

۹- Forthy, 2000, P.265

برای ابراز و بیان نهفته‌ترین ویژگی‌های معماری، باعث گنگی و ابهام هر چه بیشتر این انگاره گردیده است. شاید تصور نمائیم که این گنگی خود واجد ارزش بوده و ما را در بیان چیزی غیر قابل بیان در معماری یاری می‌نماید. ولیکن آنچه در واقع شاهد بوده ایم آن است که این واژه به لقلقه زبان معماران مبدل گشته و در بسیاری اوقات استفاده از آن ثمری جز سردرگمی نداشته است.

خواهیم دید که تصور فضا، تصویری کسبی و نظری است. یعنی علاوه بر آنکه از طریق تجربیات مستقیم ما حاصل می‌گردد، ناشی از القائات دیگران نیز خواهد بود. لذا از آنجا که نوع برخورد و مواجهه ما با چنین تصویری وابستگی شدیدی با نحوه آموزش ما خواهد داشت، استفاده از این انگاره در مباحثات نظری و آموزش معماری مستلزم تبیین صحیح وجوه و حدود آن خواهد بود.

از سوی دیگر، وابستگی انگارهٔ فضای معماری به شرایط فرهنگی و تاریخی خاص غرب در دوران مدرن و همچنین وجود پاره‌ای پیش شرط‌های فلسفی و زیباشناسانه برای شکل‌گیری و طرح این انگاره؛ پیش از پذیرش و کاربرد، بذل توجه و اندیشه در خصوص آن را الزام می‌نماید.

اندیشه در خصوص فضای معماری، یا بهتر بگوئیم بازاندیشی فضای معماری، مستلزم روشها و تمهیداتی خاص بوده است، به گونه‌ای که، بررسی و سپس فراغت از اقتضائات و القائات زمینه تاریخی - فرهنگی انگارهٔ فضای معماری؛ آشنایی با تعارضات بنیادی موجود در فهم فضا؛ شک در صحت و یا عدم صحت نظریات ارایه شده درباره فضا و تعلیق هر گونه داوری در خصوص آنها؛ توسل به تجربه بی واسطه و توصیف فضا در طول یک روایت - مشتمل بر وجوه فردی و اجتماعی انسان -؛ نقاط عطف در مسیر بازاندیشی مورد نظر بوده اند.

در شرایطی که با تعدد نظرات و داوریهای غیرقابل جمع درباره فضا مواجه هستیم، تنها یک نوع بازخورد مقبول به نظر می‌رسد و آن

شک در صحت و یا عدم صحت تمامی این نظریات است. پذیرش یکی از میان این جمع و نفی دیگری و اصولاً هر گونه انتخاب و استنتاجی نمی تواند مبتنی بر دلایلی پذیرفته شده باشد. چراکه هر یک از انگاره های طرح شده ، خود مبتنی بر شواهد و دریافتها و یا باورهای قابل اتکاء بوده اند. همچنین پذیرش و یا نفی نظرات برشمرده ، خود مستلزم وجود مجموعه ای از فرضها و داوریهای پیشین نزد ماست. اما شک نخستین عمل و پاسخ قابل قبول از جانب هر پژوهشگری در مواجهه با تعدد نظرات است. این شک به معنی نفی هیچیک از این تعابیر نیست بلکه تعلیق هرگونه داوری در مورد آنها محسوب می گردد.

بدیهی است که غرض ما از این شک کناره جوئی از معضلات موجود در فهم فضا و یا فرار از عواقب آنچه آغاز نموده ایم نیست. بلکه این شک ، در واقع ، به عنوان نقطه آغاز حرکت ما به سوی یقین فرض گشته است و از طریق آن ، راهی را جهت بازاندیشی و هضم انگاره های متباین ارایه شده برای فضا جستجو می نمائیم.

در طول فصول سوم و چهارم از رساله حاضر ، با برداشتی روش شناختی از مجموعه سخنرانی های *ادموند هوسرل*^{۱۰} با عنوان *درآمدی بر پدیده شناسی استعلایی*^{۱۱} که بعدها *تأملات دکارتی*^{۱۲} نامیده شد ، سعی در به سامان رساندن شک ناگزیرمان ، در مورد تمامی دانسته های خویش از مفهوم *فضا* (فضای معماری) ، به گونه ای صحیح و روشمند داشته ایم. بدیهی است با این انتخاب ، خواه ناخواه ، روش مطالعه ما لااقل در بخش عمده ای از این رساله مبتنی بر روش های پدیدارشناسانه خواهد بود.

مطالعه و پژوهش فضای معماری در چند زمینه و یا بستر مقدور می باشد. این زمینه ها و بسترهای مطالعه و پژوهش به شرح زیر قابل دسته بندی خواهند بود :

۱- زمینه کاربرد و استعمال فضا

زمینه کاربرد و استعمال فضا ، بیش از هر چیز ، به جنبه های

- Edmund Husserl -۱۰
Ene Einleitung in die
Phaenomenologie
Cartesianische meditationen - ۱۲

جسمانی / فیزیکی در فضای معماری توجه دارد. در واقع، این زمینه مطالعاتی بیشتر متوجه عناصر سازنده و همچنین نحوه کاربرد فضا و رفتار انسان در درون آن بوده است. مجموعه مطالعات روان شناسان رفتاری (رفتارشناسان) به عنوان منابع اصلی و مهم مطالعه در این زمینه محسوب می گردند.

۲- زمینه تصور فضا

این زمینه مطالعاتی به آنچه که از فضای عینی و یا مفهوم فضا در ذهن می آید توجه نموده و با شکلی خیالی / انتزاعی با فضا برخورد می نماید. اهمیت اصلی مطالعه در این زمینه آن است که آموزش مفهوم فضا غالباً در این بستر صورت می پذیرد. در این زمینه مطالعاتی در صورت عدم توجه به جسم ساختمان و یا مصداق های مشخص، ما با یک فضای کاملاً انتزاعی و مجرد روبرو هستیم.

هندسه، نجوم و غالباً فلسفه نیز در این زمینه و بستر به فضا نگریسته اند. فضای مورد اشاره علوم تجربی - فضای انتزاعی به معنای امر کلی - مشخصاً در این بستر مطرح می گردد. مطالعات روان شناسان شناختی (شناخت شناسان) از منابع مهم مورد مطالعه در این بستر خواهند بود.

۳- زمینه تجربه فضا

این زمینه مطالعاتی، به دلیل اصرار بر تجربه بی واسطه، جنبه و صبغه ای پدیدارشناسانه یافته و فضا در این بستر به عنوان یک زیسته تجربه می گردد. مطالعه در این زمینه، مشابه با هر مطالعه پدیدارشناسانه دیگر، به سه طریق اصلی مقدر می باشد:

First hand

-۱۳

الف - روش اول شخص^{۱۳} : روشی که موسرل بانی آن محسوب می گردد.

ب - روش آگزیستانسیال: این روش به مطالعه و جمع بندی تجارب افرادی که فضا را تجربه می کنند اشتغال می یابد. مطالعات

M. Merlau-Ponty -۱۴
 M. Heidegger -۱۵
 C. Norberg - Shulz -۱۶

مرلوپونتی^{۱۴} نمونه ای از این روش مطالعاتی محسوب می‌گردد.

ج - روش هرمنوتیک: هایدگر^{۱۵} و متأثر از او شولتز^{۱۶}، با این روش ضمن تأویل فضای تاریخی به تبیین مفهوم فضای وجودی یا فضای زیسته پرداخته‌اند.

بدون شک، در مقایسه با سایر زمینه‌های مطالعاتی، بخش عمده‌ای از مطالعات انجام شده در خصوص فضای معماری در زمینه کاربرد و استعمال فضا صورت پذیرفته است و این مطالعات بیشترین تأثیر را بر چگونگی طرح فضای معماری توسط معماران داشته‌اند. اما همانگونه که خواهیم دید، این زمینه مطالعاتی به واسطه دید کاربردی موجود در آن، بیش از هر چیز، ما را با وجوه کارکردی فضا مشغول داشته و از این طریق از درک سایر وجوه آن غافل خواهد گذارد.

در مقابل، از آنجاکه به نظر می‌رسد مفهوم فضا، بیش از تجربه بی‌واسطه آن، از طریق آموزش به معماران و دانشجویان معماری انتقال یافته باشد، فراغت از زمینه مطالعاتی تصور فضا و بی‌توجهی به آن هرگز جایز نخواهد بود. با این وجود، به دلیل آنکه در این زمینه مطالعاتی ما بیشتر با یک تصور فضایی انتزاعی و مجرد روبرو هستیم، و مطالعه این تصور معمولاً فارغ از تجارب عینی ما صورت می‌پذیرد، لذا دریافت تمامی حقیقت فضا تنها از این طریق نیز مقدور به نظر نمی‌رسد.

در این رساله، با توجه به کفایت نسبی مطالعات انجام شده در زمینه کاربرد و استعمال فضا، و با توجه به محدودیت‌های این زمینه مطالعاتی برای عرضه تمامی وجوه فضا، التفات و توجه کمتری به این زمینه مطالعاتی مشاهده خواهد گردید. در مقابل، این رساله ضمن توجه ضمنی به زمینه مطالعاتی تصور فضا؛ به واسطه شک ناگزیر در مسیر بازاندیشی فضای معماری و به لحاظ تأکید و اتکاء بر تجربه بی‌واسطه فضا؛ بیش از هر چیز، به زمینه مطالعاتی تجربه فضا معطوف خواهد بود.

به عقیده نگارنده در این زمینه مطالعاتی و با اتخاذ روش های مناسب جهت حذف عوامل مداخله گر در تجربه بی واسطه ، امکان واشکافی حقیقت فضا و خصوصاً دستیابی به یک *بنا‌هت یقینی* در خصوص آن فراهم می باشد.

در اینجا باید تاکید نمائیم که با توجه به ارتباط تنگاتنگ و پیچیده فرایند تصور و مصداق ؛ اشاره به زمینه های مطالعاتی کاربرد ، استعمال و تجربه فضا هرگز به منزله منفک پنداشتن این زمینه ها _ به طور مطلق _ نبوده است. بلکه همانگونه که در خلال فصول مختلف این رساله مشاهده خواهد گردید ، این تفکیک اعتباری تنها نشان دهنده توجه و تمرکز ذهنی نگارنده بر پاره ای از وجوه مورد اشاره می باشد.

■ فصل اول : انگاره فضا در معماری

- مقدمه

- پرسش های محقق

● طرح انگاره فضا در معماری

● دلایل و انگیزه های انگاره سازی و توصیف فضا در معماری

۱- پیش شرط های فلسفی و زیباشناسانه

۲- مخدوش بودن جایگاه معماری در نسبت با سایر هنرها

۳- همسوئی با ایده فضا در علوم تجربی

۴- همراهی با روح غالب دوران

۵- همبستگی انگارهٔ فضا و معماری مدرن

● وجوه متفاوت انگاره فضا در معماری

۱- فضا به مثابه محصوره (ضمیمه)

۲- فضا به مثابه پیوستار

۳- فضا به مثابه گسترش بدن

● انگاره فضا پس از مدرنیسم

● سیر تاریخی انگاره فضا در معماری

● نتایج حاصل از انگاره فضا در معماری

● جمع بندی و نتیجه گیری

مقدمه

در آغاز فصل حاضر خواهیم دید که به کارگیری عبارت فضا در معماری، به عنوان نامی تشریحی و یا برجستگی برای یک گروه از واقعیات قابل اشاره، و در مقام یک انگاره، عمری بسیار کوتاهتر از تاریخ بلند معماری داشته است. به عبارت دیگر می توانیم بگوئیم: بین خلق آنچه بعدها فضا نامیده شد، به عنوان امری واقع و تولد یافته در بطن آثار و مصادیق معماری؛ با طرح ایده فضا در مقام یک انگاره، و همچنین وجوه اندیشیده شده و یا ذکر شده برای آن، مطابقت تاریخی و مفهومی چندانی وجود نداشته است. در این بین، بازاندیشی مفهوم فضا در معماری، به طور ناگزیر و پیش از هر چیز، مستلزم مرور اندیشه ها و تعبیر ارائه شده درباره آن خواهد بود.

این ضرورت و استلزام زمانی بدیهی و ناگزیر فرض می گردد که بدانیم: انگاره فضا در معماری در بطن مجموعه ای از شرایط فرهنگی - تاریخی خاص تولد یافته و عرضه گردیده است. فارغ از تعلق یا عدم تعلق هر یک از ما به این شرایط فرهنگی - تاریخی، و فارغ از ثبوت و یا عدم ثبوت این شرایط تا امروز؛ از آنجا که القائات ناشی از این انگاره، از طریق آموزش های معمول و آکادمیک و همچنین از طریق محاورات و مکتوبات حرفه ای، بر ذهن هر یک از ما منقوش و تاثیرگذار بوده است؛ تعمق و تامل در آنها اجتناب ناپذیر خواهد بود. چراکه گفته ها و شنیده های ما از فضا در معماری، آگاهانه و یا ناآگاه، قادر خواهند بود به عنوان ایده های هدایت کننده و یا طرح های راهبردی در مسیر هر گونه تفکر در زمینه معماری عمل نمایند.

در طول فصل حاضر سعی خواهیم داشت تا ضمن بررسی دلایل و انگیزه های انگاره سازی و توصیف فضا در معماری و همچنین مرور چگونگی طرح این مفهوم بین معماران؛ به وجوه مختلف ارائه شده برای این انگاره و نتایج حاصل از آن در ذهن معمار امروز، و در واقعیت شکل گرفته به عنوان معماری، بپردازیم.

پرسش های محقق

۱- چرا و چگونه و از چه زمان مفهوم فضا در واژه نامه معماری ظاهر می گردد؟

۲- تنوع مفاهیم موجود از فضا ، به دلیل دیدگاههای متفاوت ، چه گستره ای را شامل می گردد ؟

۳- نتایج و پیامدهای طرح انگاره فضا در معماری کدامند؟

● طرح انگاره فضا در معماری

معماری همواره با چیزی سر و کار داشته است و هر یک از آثار معماری ، بدون استثناء ، در هر دوره ای از تاریخ و یا هر گوشه ای از عالم ، امتزاج فکر شده و اندیشه ای از پیکره^۱ (توده ساختمانی) از یکسو و آنچه که فضا نامیده ایم از سوی دیگر بوده اند . به گونه ای که تصویر معماری فارغ از آن چیز نا ممکن به نظر می رسد . اما جالب است بدانیم که به کارگیری انگاره^۲ فضا^۳ ، جهت تبیین آن چیز در معماری ، عمری بسیار کوتاهتر از تاریخ بلند معماری داشته است.

تئوری معماری در غرب تبار نامه مفصلی دارد و از طریق کتب معتبر و منابع مکتوب ، اتصال تاریخی روشنی را با گذشته های دور حفظ می نماید . ویتروویوس^۴ (قرن اول پیش از میلاد) ، ضمن اشاره ای به مصر و بین النهرین ، تبار آن را به یونان باستان رسانیده است . همچنین با آثار مهمی از *آلبرتی*^۵ (قرن پانزدهم) ، *پالادیو*^۶ (قرن شانزدهم) ، *لوژی*^۷ و *هیوم*^۸ (قرن هجدهم) ، *راسکین*^۹ (قرن نوزدهم) ، *لوکوربوزیه*^{۱۰} و *پارک*^{۱۱} (قرن بیستم) و بسیاری دیگر ، این اتصال تا به امروز استمرار می یابد .^{۱۲} با استناد به این منابع ، انگاره فضایی معماری^{۱۳} دارای عمری کوتاه بوده و تا اواخر قرن نوزدهم (سالهای ۱۸۹۰) در واژه نامه معماری وجود نداشته است .^{۱۳}

در مشرق زمین به گونه ای متفاوت ، انتقال مفاهیم ، انگاره ها و مهارت های معمارانه بیشتر به طریق سینه به سینه و از طریق روابط استاد و شاگردی رواج داشته و منابع مکتوب چندانی برای پی جوئی ارتباط و اتصال تاریخی این مبانی تئوریک موجود نمی باشد . می دانیم انگاره فضا^{۱۴} در معماری ، آنگونه که امروز آن را مورد استفاده قرار می دهیم ، در تفکر متأخر و معاصر غرب نمود یافته است . لیکن پی جوئی تصورات مشابه با آن ، و تصورات قابل انطباق با^{۱۵} فضایی معماری^{۱۶} در شرق ، به دلیل نبود منابع قابل استناد چندان ساده نخواهد بود.

در این میان ، معماران معاصر ژاپن سعی فراوانی برای مقایسه ، تطبیق و یا تمییز انگاره (ما)^{۱۴} - که برگرفته از سنت معماری در ژاپن

- ۱- mass
 ۲- انگاره Concept ، نامی تشریحی و یا برجسی برای یک گروه از واقعیات مشاهده شده است . یک عبارت عمومی ، تجریدی ، مجمل ، همگام با نظرات ، استنتاجها و فرضیاتی که مبادرت به ذکر وقایعی مشاهده شده می کند .
 ۳- Space
 ۴- Vitruvius : De Architectura
 ۵- Alberti : De Re Aedificatoria , (1485)
 ۶- Palladio : The Four Books of Architecture
 ۷- Laugier : Essai Sur I' Architecture, (1752)
 ۸- Hume : Essay on the Standard of Taste, (1742)
 ۹- Ruskin : The seven lamp of Architecture, (1849)
 ۱۰- Le Corbusier : Vers une Architecture, (1923)
 ۱۱- Park : The Language of Architecture, 1968
 ۱۲- آلسوپ ، ۱۳۷۱ ، ص ۱۳
 ۱۳- همچنین نگاه کنید به :
 Forty, 2000, P.256
 ۱۴- Ma

می باشد - و انگارهٔ فضا داشته اند.

دیگران نیز، گه گاه اشاراتی به نزدیکی این دو مفهوم نموده اند. لیکن انطباق این دو به دلیل گستردگی مفهومی و روشن نبودن تصورات مربوط به آنها ساده به نظر نمی رسد.

در معماری ایران و بسیاری دیگر از نقاط جهان، انگاره روشنی که متبیین مفهوم فضا فرض گردد، قابل شناسایی نیست. هر چند نوع عمل معماران در ارایه واحدهای فضایی کاملاً تعریف شده، متضمن توجه آنها به وجوهی از فضای معماری به عنوان تصویری فراتر از توده ساختمانی بوده است. الگوی غالب خانه ایرانی که در محدوده وسیعی از حاشیه کویر مرکزی مشاهده می گردد، در واقع متشکل از واحدهای کاملاً تعریف شده ای همچون حیاط، تالار، تهرانی، شاه نشین، پنج دری، سه دری و ... است که این واحدها، با تمامی خصوصیات کمی و کیفی قابل تصور خویش، برای معمار و استفاده کننده آن، شناخته شده و پیش فرض بوده اند.^{۱۵} اینگونه توجه به مفهوم فضا، در نقاط مختلف جهان و در آثار و الگوهای متنوع معماری قابل مشاهده است.

۱۵- برای آشنایی بیشتر رجوع کنید به: علیرضا مستغنی، "سیر تحول خانه ایرانی در دوره قاجار" (رساله فوق لیسانس)، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۱

مفهومی فراتر از پیکره صرفاً مادی ساختمان، به عنوان اساسی ترین عنصر معماری از زمان پیدایش فرمهای بدوی، یعنی از همان زمانی که انسان به ساخت نخستین سرپناه پرداخت و یا اولین محیط های مصنوع خود را در دل غارها سامان داد، وجود داشته است. با این حال، این واقعیتی مسلم و غیرقابل تردید است که، تا قرن هجدهم میلادی در هیچیک از متون معمارانه از کلمه فضا استفاده نشده است.^{۱۶} برای نظریه پردازان کلاسیک مفهوم ساختار حائز اهمیت بود و این مفهوم هرگز فضای در بر گرفته شده را معنی نمی نمود. نزد آنها واژه فضا برای نشان دادن سطوح بی شکل و بی تناسب در تزیینات داخلی به کار می رفت و هرگز به مفهومی سه بعدی اشاره نداشت. دگرگونی در برداشت از این مفهوم، در اواسط قرن هجدهم، در بستر باغهای رومانتیک حاصل شد. زیرا در این باغ ها فضاها، هر چند که بی شکل و بی تناسب بودند ولی،

۱۶- Collins, 1965, P.285

- هویتی مثبت و کیفیتی بیش از یک سطح دو بعدی را معرفی می کردند.^{۱۷}
- Ibid -۱۷
- از قرن هجدهم معماران درباره احجام و خلأها صحبت می کردند و گاه واژهٔ فضا نیز مورد استفاده قرار می گرفت. به طور مثال ، سوآن^{۱۸} به فضای خالی اشاره کرده و از ابداع نمودن طرح هایی برای پرهیز از هدر رفتن فضا صحبت نموده است.^{۱۹}
- Soane -۱۸
Middleton, 1999 -۱۹
- حضور گسترده تر انگارهٔ فضا ، در زبان جاری معماران بعد از سال های ۱۹۰۰ آغاز شد. آگوست اندل^{۲۰} (در کتاب خود با عنوان زیبایی شهر بزرگ^{۲۱} که در سال ۱۹۰۸ انتشار یافت) چنین نوشت :
.... بسیاری از مردم به معماری همچون اعضاء جسمانی ، نماها ، ستون ها و تزئینات فکر می کنند. اما تمام این امور ثانوی است. اساس فرم نیست ، بلکه برعکس ، فضا است ؛ خالی ای که به طور همزمان و ریتمیک مابین دیوارها توسعه داده شده است و توسط این دیوارها معنی شده است.^{۲۲}
- August Endell -۲۰
Die Schoemheit der Grossen stadt -۲۱
- quoted in: Forty, 2000,P.262 -۲۲
- معمار هلندی ، ه. پ. برلاگ^{۲۳} ، طی سخنرانی خود در سال ۱۹۰۵ با عنوان آندیشه ها در باب سبک^{۲۴} که در آلمان انتشار یافت (بیان می دارد :
از آنجایی که معماری هنر حصاربندی فضایی است ، ما باید بر طبیعت معمارانه فضا در هر دو جنبه ساختاری و تزئینی آن تاکید نمائیم. به این دلیل که یک ساختمان در وهله اول از بیرون مورد بررسی قرار نخواهد گرفت.^{۲۵}
- H.P.Berlage -۲۳
Thoughts on Style -۲۴
- Berlage, 1905 -۲۵
- او در سخنرانی دیگری در سال ۱۹۰۸ قاطعانه تر اعلام نمود که مقصود و هدف معماری خلق فضا است و معماری می باید از فضا ناشی شود.^{۲۶}
- Berlage, 1908 -۲۶
- بنا به اظهارنظر کالینز ، امروزه ساختمانها حاوی روابط فضایی بسیار متفاوتی با ساختمان های گذشته هستند و بنا به عقیده بسیاری از نظریه پردازان ، رفتارهای جدید با فضا ، همان مبانی جدیدی هستند که معیار^{۲۷} مقایسه و تشخیص معماری عصر جدید لقب گرفته اند.^{۲۷}
- Collins, 1965, P.26 -۲۷

- بنا به عقیده راپاپورت ، تعریف فضا یکی از بحث های محوری در بسیاری از منابع و پژوهش های انجام شده در عرصه معماری است.^{۲۸}
- Rapoport et.al, 1990 -۲۸
- و آنگونه که هنری لقبور اظهار می دارد : ارائه هر تعریفی از معماری ، پیش تر نیازمند ارائه تحلیل و توضیحی درباره انگاره فضا است.^{۲۹} یا
- Lefebvre, 1974, P.15 -۲۹
- آنگونه که سردنیس لاسدن عنوان داشته است : فضا مجلل ترین چیزی است که می توان به نام معماری به دیگری داد.^{۳۰}
- Lasdun, 1997 -۳۰

- توجه و تاکید بر انگاره فضا طی سالیان اخیر به گونه ای بوده است که آرناسن^{۳۱} (در کتاب تاریخ هنر نوین خود) با گلایه مندی چنین اظهار می دارد :
- Hjovardur Harvard Arnason -۳۱
- معماری را غالباً هنر محصورسازی فضا تعریف کرده اند؛ و اهمیت درجه اول را در این تعریف به فضای درونی داده اند و به این واقعیت توجه نکرده اند که بسیاری از سبک های معماری در سراسر تاریخ با ظاهر یا سازماندهی نما و فضای بیرونی بناها سر و کار داشته اند.^{۳۲}
- ۳۲- آرناسن ، ۱۳۷۴ ، ص ۱۳

● دلایل و انگیزه های انگاره سازی و توصیف فضا در معماری

- بنا به عقیده آدرین فورتنی^{۳۳} ، انگاره فضا به دلایل زیر در سال های ۱۹۰۰ ، توسعه و تنوع فراوان یافته است :
- Adrian Forty -۳۳

- الف- به منظور توصیف و تبیین علت اساسی (سبب ریشه ای) معماری نزد هگل^{۳۴} و خصوصاً برای سمیر^{۳۵} ، معماری تنها زمانی به عنوان یک هنر قابل ارزیابی بود که بتوان مقصود و هدفی همچون دستیابی به یک ضمیمه فضایی^{۳۶} را برای آن قائل گردید.
- Hegel -۳۴
- Gottfried Semper -۳۵
- Spatial enclosure -۳۶

- ب- به منظور توصیف علل ادراک حس زیباشناسانه در معماری فضا^{۳۷} ، توسط شمارسو^{۳۷} و لیبیس^{۳۸} ، به مثابه پاسخی برای این پرسش که چگونه فعالیت های معمارانه ، ادراک حسی زیباشناسانه را برمی انگیزد ، مطرح بود.
- August Schmarsow -۳۷
- Theodor Lipps -۳۸

- ج- به منظور ارضاء انتظار بنیادی تاریخ هنر قرن نوزدهم کارهای هنری از نظر هنرشناسان قرن نوزدهم ، باید حرکت را آشکار می نمودند. اینکه چگونه آثار معماری ممکن بود حرکت را نشان دهند یک دلمشغولی دیرینه بود.^{۳۹}
- Forty, 2000, P.262 -۳۹
- اشارات آدرین فورتنی نشان دهنده آن است که بعضی پیش شرط های فلسفی - منطقی برای مباحثه درباره معماری ، پیش از آنکه این زمینه بحث توسط معمارها مطرح شده باشد ، حادث شده اند.
- انگاره فضا به مثابه یک مقوله معمارانه در آلمان شکل می یابد. واژه آلمانی برای این مفهوم (رام)^{۴۰} ، همزمان بر دو چیز دلالت دارد: به عنوان یک اتاق یا ضمیمه مادی و همچنین به عنوان یک انگاره فلسفی ، و همانگونه که پیتر کالینز^{۴۱} خاطر نشان می کند ، یک فرد آلمانی برای تخیل اتاق به مثابه یک قسمت کوچک و فضای نامتناهی توان زیادی صرف نمی نماید.^{۴۲} به نظر می رسد که ساختار زبان شناسانه آلمانی نقش خاصی را در این خصوص ایفا نموده باشد. چراکه در زبان آلمانی کلمه فضا^{۴۳} مشابه کلمه اتاق^{۴۴} است. بنابراین برای یک آلمانی زبان چندان مشکل نبوده است که به اتاق به مثابه یک فضای محدود بیاندهد ، چون جور دیگر فکر کردن ، درواقع برای او ممکن نبوده است.^{۴۵}
- Raum -۴۰
- Peter Collins -۴۱
- Forty, 2000, P.256 -۴۲
- Raum -۴۳
- Room -۴۴
- Collins, 1965, P.286 -۴۵
- از اوایل قرن نوزدهم تعدادی از نویسندگان آلمانی هنگام بحث از زیباشناسی از واژه فضا (رام) به مفهوم نوین معمارانه آن بهره جستند. بهترین نمونه در این خصوص ، هگل است و در کتاب فلسفه هنر^{۴۶} (که بر مبنای سخنرانی های انجام شده در سال ۱۸۰۲ تدوین شد) ، هنگامی که او به ساختمان ها به مثابه محدودکننده و دربرگیرنده فضای تعریف شده اشاره می کند و یا هنگامی که کلیسای گوتیک را به مثابه محل تمرکز ذاتی زندگی روحانی که خود را در روابط فضایی محدود می کند تعریف می نماید ، از این واژه به دفعات استفاده شده است.^{۴۷}
- Philosophy of Art -۴۶
- Collins, 1965, P.286 -۴۷

بررسی علل و زمینه های انگاره سازی و توصیف فضا در معماری دوران متأخر ، با توجه به حضور گسترده این واژه در کلیه عرصه های فکری و